

## بررسی و شناخت حرفه کتابداری در عصر صفوی

مهشید برجیان بروجنی<sup>۱</sup>

زهرا اباذری<sup>۲</sup>

غلامرضا امیرخانی<sup>۳</sup>

فرشته سپهر<sup>۴</sup>

نجلا حریری<sup>۵</sup>

### چکیده

کتابخانه‌هایی که در ایران پس از اسلام خصوصاً تا حمله مغول فعالیت می‌کردند، با توجه به وجود فرهنگ غنی ایرانی- اسلامی و برخلاف کتابخانه‌های هم دوره خود در اروپا غالباً عمومی بود و به مدارس تعلق داشت. در دوره صفوی علاوه بر این نوع از کتابخانه‌ها، کتابخانه سلطنتی و بقاع متبرکه مانند آستان قدس رضوی رونق گرفته و در تاریخ آن دوره نقش به‌سزایی داشته است. مقاله حاضر بر آن است تا با بهره‌مندی از روش تحقیق تاریخی مبتنی بر تو صیف و تحلیل به بررسی حرفه کتابداری و وظایف کتابدار در دوره مهم صفوی (۹۰۷ق، تا ۱۱۴۸ق)، بپردازد. در این بررسی با بهره‌گیری از منابع تاریخی و همچنین اسناد و نسخه‌های خطی برجای مانده از عصر صفوی، به انواع فعالیت‌هایی که در کتابخانه‌های این دوره صورت می‌گرفته و همچنین موقعیت شغلی کتابداران پرداخته شده است.

**واژگان کلیدی:** صفویان، کتابداری، کتابخانه سلطنتی، آستان قدس رضوی(ع).

---

۱. دانشجوی دکتری علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال ۰۹۱۲۲۴۶۱۳۸۴  
[borjian.mah@gmail.com](mailto:borjian.mah@gmail.com)

۲. دانشیار گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، تهران (نویسنده مسئول) - 09121082949  
[Abazari391@yahoo.com](mailto:Abazari391@yahoo.com)

۳. استادیار سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. [Amirkhani@nlai.ir](mailto:Amirkhani@nlai.ir)

۴. استادیار گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال  
[Fereshteh.sepehr@yahoo.com](mailto:Fereshteh.sepehr@yahoo.com)

۵. استاد تمام گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران [Nadjlahariri@gmail.com](mailto:Nadjlahariri@gmail.com)

پیشینه کتاب و کتابخانه را می‌توان تا اختراع خط به عقب برد، مورخان و باستان‌شناسان بر وجود کتابخانه آشور بانیپال که در برگیرنده الواح گلی بود، اتفاق نظر دارند. از لابه‌لای متون تاریخی، اسناد، وقف‌نامه‌ها و نسخه‌های خطی بر جای مانده از سده‌های گذشته به اطلاعات پراکنده‌ای درباره کتابخانه‌ها، کتاب‌های موجود در آنها، نحوه نگهداری و حتی نحوه خدمات به مراجعان می‌توان دست یافت. کتابخانه‌ها در طول تاریخ و برحسب شرایط خاص فرهنگ اجتماعی زمان خود، کارکردهای گوناگون داشته‌اند. در اروپای قرون وسطی که قدرت در دست کلیسا بود، وجود کتابخانه‌ها در کلیسا و صومعه‌ها امری رایج به‌شمار می‌آمد، طبیعتاً کارکنان کتابخانه از بین کشیشان انتخاب شده و موضوع کتاب‌ها غالباً پیرامون مذهب مسیحیت بود. شرایط سخت دسترسی به کتاب و وجود مکانیزم‌های پیچیده برای جلوگیری از دستیابی عموم به مجموعه منابع، عملاً کتابخانه را به گنجینه‌ای از کتاب‌ها با سخت‌گیری‌های فراوان در دسترسی، مبدل کرده بود (تامپسون، ۱۳۶۶: ۱۶-۱۴).

کتابخانه‌هایی که در ایران پس از اسلام خصوصاً تا حمله مغول فعالیت می‌کردند، با توجه به وجود فرهنگ غنی ایرانی-اسلامی و برخلاف کتابخانه‌های هم‌دوره خود در اروپا، غالباً عمومی بودند و به مدارس تعلق داشتند. به نحوی که مدرسه بدون کتابخانه در حقیقت همانند مسجد بدون محراب و منبر بوده است. مساجد نیز از کتابخانه بی بهره نبوده و بسان کتابخانه‌های مدارس از آنها استفاده می‌شده است. ذبیح‌الله صفا در مقاله مدرسه، مندرج در کتاب «ایران‌شهر» چنین می‌نویسد: «به همین جهت مدرسه را گاه مسجد و یا بالعکس مسجد را گاه مدرسه نیز می‌نامیدند و این اشتراک اسامی و خلط آنها با یکدیگر در تمام اعصار اسلامی معمول بوده و حتی بیمارستان‌ها و دارالشفاهای بیت‌الادویه‌ها هم عادت برای تعلیم پزشکی و داروسازی و رصدخانه‌ها برای تعلیم ریاضیات و نجوم مورد استفاده قرار می‌گرفتند. در عصر پیش از خواجه نظام‌الملک، مدارس دارای تشکیلات وسیع و انتظاماتی از قبیل وظایف استادان و شاگردان و خادمان و شعبی مانند کتابخانه‌ها و دارالشفاهای مستمری برای معلمان و طالبان علم و خدام و کارکنان دیگر نبود ولی از دوره نظامیه بغداد به همه این امور توجه کردند. مهم‌ترین اثری که در مدارس بدان بازمی‌خوریم، وجود کتابخانه‌هاست و برخی کتابخانه‌ها مانند کتابخانه نظامیه و مستنصریه و شاید بسیاری از کتابخانه‌های دیگر مدارس بر رسم کتابخانه‌های قدیم ایران دوره اسلامی از روی فن کتابداری مرتب و در دسترس محصلان گذارده می‌شد و آنها را خازنان و خادمانی معین بود. لزوم کتابخانه‌ها برای مدارس تا حدی بود که حتی در مدرسه سیار اولجایتو نیز صندوق‌های کتب را در اردو حمل می‌کردند» (افشار، ۱۳۴۲: ۱/ ۷۵۶-۷۵۱).

کتابدار به معنی حافظ و نگهبان کتاب‌ها تعریف شده است (dehkhoda.ut.ac.ir: ذیل واژه «کتابدار»). البته کتابدار به آن معنی نیست که وی صرفاً حافظ و نگهبان کتاب بوده و بی‌اطلاع از محتوای آنها باشد، بلکه با مطالعه کتاب‌ها درمی‌یابیم برخی از کتابداران، افرادی عالم و دانشمند بوده‌اند. چنان‌که مخزن‌داران کنونی کتاب‌های خطی، افرادی آگاه و خبره در امر کتاب هستند. این واژه با تعبیرات مختلف البته با همین مفهوم در متون کهن به‌کار رفته است، چنان‌که کتابخانه را خزانه و گاهی کتابدار را خازن می‌نامیدند. تا قرن‌ها این واژه بر فردی که حفاظت و نگهداری کتاب‌ها را بر عهده داشت تلقی می‌شد. ظاهراً نخستین باری که در متون فارسی به واژه کتابدار اشاره شده مربوط به اواخر قرن نهم هجری است (امیرخانی، ۱۳۸۱: ۸۴۱-۸۴۰).

دو متن مهم عربی در قرن چهارم هجری دارای اطلاعات خوبی از کتابخانه‌های زمان خود هستند؛ یعنی الفهرست ابن ندیم و احسن التقاسیم مقدسی. ندیم به نام چند نفر از کارکنان کتابخانه نظیر صحاف اشاره کرده ولی در مورد کتابدار یا خازن کتب چیزی نمی‌گوید (ابن ندیم، ۱۳۸۳: ۱۶). مقدسی هم در توصیف کتابخانه عضدالدوله دیلمی واژه خازن را به‌عنوان کتابدار آورده و گفته: «... و خزانه‌الکتب حجره علی حده علیها وکیل و مشرف من عدول العبد و لم یبق کتاب صنف الی وقته من انواع العلوم ... و فهرستان فیها اسامی الکتب لایدخلها الاوجیه ...». البته وی از وکیل و مشرف هم نام برده که به‌عنوان سایر کارکنان در آن‌جا خدمت می‌کردند. شایان ذکر است علینقی منزوی در ترجمه فارسی کتاب از واژه‌های کتابدار، سرپرست و ناظر به‌جای خازن، وکیل و مشرف استفاده کرده است (مقدسی، ۱۳۸۵: ۲/۶۶۸). مسعود سعد سلمان، شاعر عصر غزنوی که تصدی امور کتابداری کتابخانه سلطنتی مسعود غزنوی را داشته است، در مورد این سمت چنین سروده:

«احوال او به کام دل دوستدار شد  
کایام تو به کام دل دوستدار باد  
او را به خازنی کتب کردی اختیار  
کت رای خسروانه قوی اختیار باد»

(مسعود سعد سلمان، ۱۳۶۲: ۱۸)

در وقف‌نامه ربع رشیدی نیز از خازن و مناوول به‌عنوان کارکنان کتابخانه رشیدی نام برده شده است. وظیفه آنها ضمن حفظ و نگهداری کتب و امانت دادن، کنترل مراجعانی بوده که قصد خواندن کتاب در حضور ایشان را داشته‌اند. ظاهراً مراجعان باید در حضور آن‌ها کتاب می‌خواندند و اگر می‌خواستند کتاب به امانت ببرند، طبق شرایط واقف باید عمل می‌کردند و این کار نیز برعهده خازن یا مناوول بود. در متن وقف‌نامه به‌طور صریح به وظیفه این دو تن اشاره نشده است، فقط در مورد خازن شرط شده که در بیت‌الکتب ساکن باشد (رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۵۰: ۱۸۹).

کتابداری در دوره صفویان

در تذکره الملوک، یکی از منابع اداری مهم دوره صفوی که در اواخر این دوره (۱۱۳۸-۱۱۳۵ ق)، تالیف یافته، نامی از کتابدار نیامده و واژه صاحب جمع کتابخانه ذکر شده که پنجاه تومان موجب داشته و ظاهراً رئیس کتابخانه محسوب می شده است (میرزا سمیعا، ۱۳۷۸: ۷۱). اما در دستور الملوک، دیگر منبع اداری این عصر، واژه کتابدارباشی به کار رفته که زیر مجموعه صاحب جمع بیوتات قرار می گرفت. لقب وی «مقرب الحضرت العلیه العالیه» بوده و مبلغ پنجاه تومان موجب دریافت می کرده است (همان: ۲۵۸).

از کتابخانه های دوران طولانی زمامداری صفویان، اطلاعات ارزشمند دیگری بر اساس متون تاریخی و نسخه ها و اسناد خطی در دست است. بر این اساس می توان دو گروه از کتابداران را ذکر کرد:

### الف) کتابداران کتابخانه های سلطنتی

وظایف و عملکرد این گروه از کتابداران مشابه کتابداران دوره قبل یعنی عصر تیموریان است. در واقع این دسته از متصدیان شغل کتابداری بیشتر هنرمندان حوزه های مختلف کتاب آرایی بودند که در کتابخانه های درباری و سلطنتی خدمت می کردند. در رأس این هنرمندان باید از خوشنویسان و نگارگران یاد کرد که مهم ترین ایشان عبارتند از:

**یک. کمال الدین بهزاد:** نام آشناترین چهره ای که منصب کتابداری را در اوایل عصر صفوی به خود اختصاص داد، کمال الدین بهزاد نقاش نام آور اواخر عصر تیموری و آغاز عصر صفوی بود. شاه اسماعیل اول در ۲۷ جمادی الاول سال ۹۲۸ ق، طی فرمانی ریاست و کلانتری کتابخانه همایونی تبریز را به او سپرد. در حقیقت، بهزاد نخستین رئیس کتابخانه سلطنتی صفویان شمرده می شود. در این فرمان پس از مقدمه ای مفصل که آکنده از اصطلاحات نگارگری و تذهیب و کلا کتاب آرایی است، بهزاد را مشمول الطاف خسروانه ساخته و منصب «استیفاء و کلانتری کارکنان کتابخانه اعم از کاتبان و نقاشان و مذهببان و جدول کشان و حل کاران و زرکوبان و لاجوردشویان و سایر جماعتی که به امور مذکوره منسوب باشند را در ممالک محروسه به او واگذار کرده است». همچنین، در این فرمان از امیران و وزیران و نواب درگاه و ایلچیان بارگاه و مباشران امور سلطانی و متصدیان مهم دیوانی به طور اعم و اهالی کتابخانه همایونی و جماعت یاد شده به طور اخص، خواسته شده تا «استاد مشارالیه را مستوفی و متعهد کلانتری دانسته و کارهای کتابخانه را به استیفاء و برآورد او رسانند و آنچه او برآورد کند به مهر و ثبت، که در باب ضبط و ربط امور کتابخانه همایونی گوید، عدول و تجاوز نمایند و آنچه از لوازم مذکور است، مخصوص بدو شناسند». در ادامه فرمان شاه اسماعیل شرح وظایفی هم برای خود بهزاد لحاظ شده است: «صورت امانت و چهره دیانت را بر لوح خاطر و صفحه ضمیر منیر مصور و مرتسم گرداند و طریق راستی پیشه کند و از میل و مداهنه پرهیز نماید و از جاده صدق و صواب منحرف نشود» (ولش، ۱۳۸۹: ۸۳).

تاکید بر دیانت و تقوی برای متصدیان کتابخانه احتمالاً به آن سبب بوده که بخش هنری کتابخانه، مسئول کتابت و تذهیب تمامی فرامین و احکام شامل: سلطانیات، دیوانیات و حتی اخوانیات بوده است. بنابراین

افرادی که در این بخش کتابخانه مشغول کار می‌شدند، لازم بود از افراد معتمد و موثق بوده تا هیچ‌گونه سوء استفاده از اسباب و لوازم موجود در کتابخانه از جمله مهرهای شاهی و سلطنتی نکنند. اتفاقاً در عصر طهماسب اول، پیشامدی رخ داد که نشان داد تاکید بر ویژگی‌های اخلاقی و امانداری کتابداران بی‌دلیل نبوده است. در این واقعه دو تن از کتابداران شاغل در کتابخانه دربار، به نام‌های خواجه عبدالعزیز (که از شاگردان کمال‌الدین بهزاد بود) و علی اصغر کاشی، اقدام به جعل مهر سلطنتی کرده که پس از فاش شدن موضوع، به فرمان شاه طهماسب گوش و بینی آنها بریده شد. البته حمایت و اهتمام شاه صفوی نسبت به جماعت کتابدار دیری نپایید و پس از توبه معروف طهماسب از ملامی و مناهی، این گروه که عمدتاً از هنرمندان زبده زمان خود بودند، پراکنده شده و اکثراً راهی شهرهای دیگر شدند. تاریخ عالم‌آرا این واقعه را این‌گونه نقل کرده است: آن حضرت با این طبقه الفت تمام داشتند. هرگاه از مشاغل جهانداری و ترددات مملکت‌آرایی، فراغی حاصل می‌شد به مشق نقاشی تربیت دماغ می‌کردند. در اواخر از کثرت مشاغل فرصت آن کار نمی‌یافتند و استادان مذکور نیز صورت هستی را از رنگ‌آمیزی حیات پرداختند، آن حضرت کمتر متوجه آن کار می‌شدند. اصحاب کتابخانه را بعضی که در حیات بودند مرخص ساخته بودند که به جهت خود کار می‌کردند (اسکندرمنشی، ۱۳۸۲: ۲/ ۷۶۱). پس از این تغییر نگاه شاه صفوی بود که بسیاری از هنرمندان، کشور را ترک کردند؛ مهاجرت نقاشان، خطاطان، پزشکان، شاعران، مذهب‌ان، صحافان و اندیشمندان از ایران در خلال نیمه دوم قرن دهم هجری / شانزدهم میلادی، تقریباً حیرت‌آور است. این مهاجرت‌ها از سال ۹۵۷ق، / ۱۵۵۰م، تا قرن یازدهم هجری / اوایل قرن هفدهم میلادی در مقیاس وسیع ادامه داشت که دلیل عمده آن اوضاع نامناسب مالی این گروه از اهل علم و هنر و عدم دریافت مقرری مستمر بود. علاوه بر مساله توبه شاه طهماسب، احتمال دیگری هم مطرح شده و آن خساست و زراندوزی ذاتی وی است که موجب شده بود در پرداخت مستمری و هزینه‌های کتابخانه تعلل شود (ولش، همان: ۲۱۹).

**دو. صادقی بیگ کتابدار:** شاه عباس اول شخصاً علاقه وافری به نسخه‌های نفیس داشت و به همین سبب هنرمندان برجسته‌ای را به عنوان کتابدار کتابخانه سلطنتی به کار گماشت. در رأس این افراد باید از صادقی بیگ افشار (کتابدار)، علیرضا عباسی و میرعماد قزوینی نام برد که این آخری سرنوشتی شوم و تیره یافت.

صادقی بیگ افشار مشهور به صادقی کتابدار (زاده ۱۵۳۳م، در تبریز - درگذشت ۱۶۱۰م، در اصفهان) شاعر و نگارگر ایرانی عهد صفوی که استادش در نگارگری مظفرعلی، خواهرزاده و شاگرد کمال‌الدین بهزاد بود. او را باید بدون شک در رأس نگارگری مکتب قزوین به‌شمار آورد. از جمله آثار مهم وی در این دوره کشیدن نگاره‌ای در گرشاسب‌نامه سال ۹۸۰ق، / ۱۵۷۳م، و آخرین نسخه خطی مهمی بود که قبل از مرگ شاه طهماسب ساخته شد. وقتی شاه اسماعیل دوم شروع به بازسازی کتابخانه سلطنتی کرد، صادقی از جمله هنرمندان مورد حمایت وی بود اما با مرگ شاه اسماعیل دوم، صادقی که ۴۴ سال داشت از دربار خارج

شده و طی سالیان بعدی به خدمت امیران مختلفی درآمد. وقتی شاه عباس در سال ۹۹۵ ق، / ۱۵۸۷م، در قزوین به تخت پادشاهی رسید، صادقی که علاوه بر شهرت هنری اش توانسته بود روابط مفیدی با جناح طرفدار سلطنت شاه عباس به هم بزند، به مقام بسیار مهم ریاست کتابخانه سلطنتی منصوب شد. دوره ده ساله تصدی وی غالباً پرتلاطم بود. یک شاهنامه بزرگ که شانزده صفحه از آن را می‌توان مطمئناً به سال‌های اولیه حکومت شاه عباس منتسب دانست، از دوره اوست؛ سه صفحه از این مجموعه به‌طور قطع به صادقی منسوب است. او طی چند سال چنان ثروت، امنیت و شخصیتی به‌دست آورد که توانست همچون شاهزادگان، نسخه خطی برای خود تولید کند. نهایتاً دلایلی چند از جمله اخلاق نه‌چندان خوشایند صادقی که به غرور و تکبر معروف بود، رقیب شاخص و جوانی به‌نام علیرضا که خطاط اصلی دربار شاه عباس بود و احتمالاً اتهام دزدی یکی از گرانبهاترین نقاشی‌های شاه و فروش آن (زمانی که ریاست کتابخانه سلطنتی را داشت)، منجر به بی‌اعتباری وی در دربار شد. البته بعد از این دزدی و از دست دادن مقامش، شاه به صادقی اجازه داد تا همچنان لقب و دستمزدش را داشته باشد. صادقی در کنار نقاشی نسخ خطی، زمان زیادی نیز صرف تألیف آثار مهم ادبی‌اش می‌کرد (نورمحمدی، ۱۳۹۴: ۱۳۵، ۳۰۹).

**سه. علیرضا عباسی:** علیرضا عباسی هنرمند محبوب شاه عباس بود که قدرت فراوانی در کتابت و خوشنویسی داشت و مقرب شاه و کتابدار خاصه و از معاشران خلوت او بود. نقل است که شاه صفوی با دست خود شمع را می‌گرفت و علیرضا عباسی در روشنایی آن شمع به کتابت مشغول می‌شد (همان، ۳۱۰). علیرضا عباسی در سال ۱۰۰۷ قمری منصب کتابداری را که متعلق به صادقی بیگ افشار بود، به اجبار و بر خلاف میل صادقی از او گرفت. ملا جلال منجم در شرح وقایع ذیقعدۀ سال ۱۰۰۷ق، در این خصوص می‌نویسد: «حکم جهان‌مطاع نافذ شد که لشکر در فیروزکوه جمع شوند ... و به سبب شکایت کردن صادقی بیگ، کتابدار عتیق در شاه‌چشمه از نادرالعصری ملا میرعلی ثانی یا مولا علیرضا که مجدداً خدمت کتابداری و تمام نمودن کتاب خرقة که مشتمل بر خطوط استادان نادر و محتوی بر صور نادر بود، به او رجوع شده بود، فرستادند که این خرقة را با خطوط و صور و نقاشان و مذهبیان و صحافان برداشته، به حضور آید» (منجم یزدی، ۱۳۶۶: ۱۶۱).

### ب) کتابداران کتابخانه‌های وقفی - آموزشی

دسته دوم از کتابداران در دوره صفوی افرادی بودند که در کتابخانه‌های مدارس، مساجد و بقاع متبرکه مشغول کار بودند. این گروه از کتابداران لزوماً هنرمند نبوده و یا این که هنرمند سرشناسی نبودند. البته عموماً این گروه از کتابداران از بین افراد عالم انتخاب شده و یا آن‌گونه که در ادامه خواهد آمد به‌صورت خانوادگی متصدی این شغل می‌شدند. به‌طور خاص در مورد کتابخانه آستان قدس باید گفت که یک مورد را به‌طور دقیق می‌شناسیم که عالمی سرشناس بود و او، امیردوست محمد استرآبادی است. ولی درباره سایر موارد هم می‌توان حدس زد به‌سبب آن که کتابدار به نوعی رئیس کتابخانه محسوب می‌شده، احتمالاً از میان

افراد باسواد و علما انتخاب می‌شده است. نکته مهم دیگر این‌که با توجه به نام کتابدارانی که در اسناد ذکر شده، می‌توان گفت این شغل به‌نوعی موروثی بوده و از پدر به پسر و حتی به سایر اعضای خاندان منتقل می‌شده است. برخی از آنها علاوه بر شغل کتابداری مشاغل دیگری همچون خادمی را عهده‌دار بودند. بررسی القاب و نیز موجب نشان می‌دهد که بیشتر آنها از خانواده سادات موسوی، حسینی و طباطبایی بوده‌اند (محبوب فریمانی، ۱۳۹۰: ۶۶-۶۵).

### ۳. فعالیت‌های رایج در کتابخانه‌ها

#### الف. انتخاب و تامین منابع

اساس و شالوده تامین منابع در کتابخانه‌های غیر سلطنتی عصر صفوی بر مبنای سنت حسنه وقف بود. در این روند شاهان و وزیران و عالمان سرشناس عصر نقش اساسی را ایفا می‌کردند؛ از جمله می‌توان به قرآن‌ها و کتاب‌های وقفی اشاره کرد که شاه عباس اول و شیخ بهایی بر کتابخانه آستان قدس رضوی (ع) وقف کرده‌اند. برخی از منابع به‌ویژه قرآن‌ها و جزوات قرآنی از طریق نذر و اهدا تامین می‌شد. در مواردی هم خریداری از بابت درآمدهای متولی صورت می‌گرفت (محبوب فریمانی، همان: ۱۰۴). نمونه عبارت متضمن روش فوق در نسخه‌ای از کتابخانه آستان قدس این‌گونه آمده است: «طومار تحویل سیادت و نجابت‌پناه امیر غیاث‌الدین محمد کتابدار من اهداء تولیت، بندگان نواب مستطاب معلى القاب عالی جاهی میرزا ابوطالب الرضوی المتولی ... از بابت وجوه نذر سیادت و مرحمت‌پناه میرجعفر ولد میرشاه قاسم الحسینی التونی که مصحوب حاجی قوام‌الدین عبدالله شیرازی از مکه آورده و در تاریخ یوم السبت ۱۸ شهر شعبان المعظم ۱۰۳۲ق، تحویل شده، ۱۸ جلد کتاب». معمولاً این‌گونه موارد را زوار نذر می‌کردند. برخی از نفایس کتابخانه مثل قرآن‌ها منسوب به خط ائمه را شاهان صفویه وقف کرده‌اند. همه این‌ها به‌علاوه قرآن‌هایی که در کتابخانه آستان قدس در حرم برای تلاوت استفاده می‌شد و یا وقف قسمت‌های خاصی شده بود، در کتابخانه نگهداری می‌گشت. در تمام کتابخانه‌ها هر کتابی که وقف و یا نذر می‌شد در فهرستی با ذکر تمام مشخصات ثبت و ضبط شده و کتابدار آن را تحویل می‌گرفت.

#### ب. هزینه‌ها و امور مالی و اداری در کتابخانه

از یادداشت‌ها و مطالب موجود در منابع مشخص می‌شود که کتابخانه برعکس سایر قسمت‌های موجود در دستگاه حکومت، هیچ‌گونه درآمدی نداشته و در اسناد کتابخانه که مربوط به درآمدها است، در ذیل مفرده کتابخانه هیچ نیامده و فقط کتب، مصاحف با ضمایم آن (رحل و قابلق) که در آن سال وقف و تحویل کتابدار به‌عنوان صاحب‌جمع شده، آمده است.

#### ج. پرداخت موجب به کارکنان

موجب کارکنان به دو صورت نقدی و جنسی پرداخت می‌گردید. معمولاً حکم پرداخت موجب برای یک بار صادر می‌شد و در آن قید می‌شد که «هر سال حکم مجدد نطلبند». پرداخت موجب با حکم و تایید

متولی صورت می‌گرفته و گاه حکم متولیان سابق توسط متولی جدید تایید می‌شده است: «مرسوم مزبور، موافق ارقام متولیان سابق، مستمر و برقرار بوده» و بعد از تایید نایب ناظر و مستوفی، مواجب جنسی توسط خازن و یا انباردار پرداخت می‌شد. بابت پرداخت دستمزد قبض صادر می‌شد؛ قبض‌های پرداخت مواجب گاه به‌صورت جدا و گاه با سایر کارکنان پرداخت می‌شد. مثلاً در قبض پرداخت مرسوم باغبانان و چاهخویان، نام یکی از صحافان نیز آمده که مرسوم گرفته، عنوان سربرگ سند چنین است: «انجام مهمات و معاملات سر کار فیض آثار، سنه اومدئیل، اوراجه، ارباب‌التحاویل و التحاصیل، صاحب‌جمعان، خزانه عامره، مرسوم». گاهی اوقات برای مواجب دو نفر از کارکنان کتابخانه یک قبض صادر می‌شد. گاه پس از فوت یکی از کارکنان مواجب وی به جانشینش تعلق می‌گرفت. همچنان که گفته شد برخی کارکنان دو نوع دریافت در قالب مواجب و وظیفه داشتند که گاه در اسناد این دو نوع کاملاً مشخص می‌گشت (همان، ۱۳۹۰: ۱۳۸-۱۳۶).

#### د. خرید وسایل

این خرید شامل وسایل صحافی و لوازم مورد نیاز کتابخانه بود؛ در مورد وسایل صحافی معمولاً خود صحاف آنها را تهیه می‌کرد و هزینه آن پس از تایید توسط اساتید صحاف، کتابدار، ناظر و ... پرداخت می‌شد. این نوع وسایل شامل کاغذ، چسب، تیماج و ... بود که نام آنها در «برآوردنامه صحافان» ذکر شده است (افشار، ۱۳۸۰: ۳۳۰). در مورد لوازم کتابخانه که اقدام به خرید آن شده، تنها در اسناد به خرید جاجیم اشاره شده است. اما می‌توان فرش‌ها و قالیچه‌ها را که برای فروش کردن کتابخانه از آن استفاده می‌شده و هزینه‌های روشنایی را به آن اضافه کرد. سایر وسایل همچون رحل و قابلق و صندوقچه‌ها طبق اسناد، وقفی هستند و کتابخانه برای تهیه آنها هزینه‌ای پرداخت نمی‌کرده است.

#### ه. تجهیزات و وسایل کتابخانه

برای فروش کردن کتابخانه از قالی، قالیچه و جاجیم استفاده می‌کردند که تعداد آن با توجه به سیاهه‌ها سه تخته قالی بوده است. نور و روشنایی کتابخانه با شمعدان‌ها تامین می‌شد که برای زیر شمعدان از طبقه برنجی استفاده می‌کردند. برای نگهداری کتاب‌ها از صندوق، صندوقچه، قاب و سی‌پاره دام استفاده می‌کردند. البته کتابخانه برای آن هزینه‌ای پرداخت نمی‌کرد، بلکه معمولاً این قسم اشیا همراه خود کتاب وقف می‌شدند و در مورد همان کتاب‌هایی که به ضمیمه آن وقف شده بود، استفاده می‌گردید.

#### و. محل نگهداری، چیدمان و طبقه‌بندی

در کتابخانه‌های قدیمی ایران علم نسخه‌شناسی و تهیه فهرست از مهم‌ترین کارهای کتابداری در آن زمان بوده است. همچنین کارهایی مانند شیوه‌های مرمت و وصالی کتاب، نوع طبقه‌بندی و تنظیم کتاب‌ها از کارهایی است که در کتابخانه‌ها انجام می‌شده است. در دوره صفویه فهرست‌های مختلفی از موجودی کتابخانه شامل انواع کتاب، قرآن، جزوات قرآنی، وقفنامه‌ها و وسایل مورد استفاده تهیه شده است. کمپفر در



بازدید خود از کتابخانه شاهی در اصفهان در سال ۱۰۹۵ق، اشاره کرده که نسخ خطی را به جای نگهداری در قفسه در صندوق نگه می‌دارند (کمپفر، ۱۳۶۰: ۱۵۰). بسان کتابخانه‌های دیگر مناطق جهان که کتاب‌ها را بر اساس قطع و یا موضوع، فهرست و طبقه‌بندی می‌کردند و به آنها نظم می‌دادند، در کتابخانه‌های دوره صفوی نیز اغلب از همین روش استفاده می‌شده است. مخزن کتابخانه چندین رف یا طاق داشت؛ هر یک جدا از هم با دیواره‌ای و در آنها بسته و قفل شده بود، کتاب‌ها را در آن‌جاها روی هم می‌نهادند، کوچک‌ترها روی بزرگ‌ترها. عنوان کتاب‌ها و نام مولف بر لبه بر هم نهاده بالایی کتاب نوشته می‌شد و سر حرف‌ها به سوی آغاز کتاب می‌بود، یا این‌که عنوان و نام را بر کنار صندوق و پوشه کتاب‌ها می‌نوشتند (محبوب فریمانی، همان: ۱۱۱).

### ز. امانت کتاب

به سبب آن‌که بیشتر کتاب‌ها وقفی بوده، معمولاً شرایط امانت را خود واقف تعیین می‌کرد. وقف‌نامه‌ها یا در پشت کتاب نوشته و یا به صورت جداگانه تهیه می‌شد. بنابراین بهترین روش برای دستیابی به سیاست‌های امانت کتاب رجوع کردن به خود نسخه‌های خطی است، هر چند در برخی موارد وقف‌نامه جداگانه‌ای صادر می‌شد. گاه برای امانت کتاب افرادی واسطه یا ضامن می‌شدند؛ ممکن بود این مساله یعنی شرط داشتن ضامن در وقف‌نامه کتاب قید شده باشد. شرایط واقفان برای وقف کتاب و استفاده از آن متنوع بود. تنها در نبخشیدن و نفروختن کتاب متفق‌القول بودند. در امانت‌دادن و مهلت آن، محل نگهداری، نوع استفاده و نوع مراجعه‌کنندگان، نظرات واقفان متفاوت است. با توجه به قبض‌های به‌جا مانده می‌توان گفت شرایط واقفان نیز اجرا می‌شد. غالباً شیوه به امانت‌دادن کتاب‌ها را واقفان تعیین می‌کرده‌اند و کتابخانه ملزم به اجرای آن بوده است. غیر از شرایط فوق، برخی وقف‌نامه‌ها شرایط دیگری را برای امانت‌دادن مقرر کرده‌اند و امانت کتاب را منوط به داشتن ضامن دانسته‌اند؛ چنان‌که در یکی از وقف‌نامه‌ها آمده که بابت امانت گرفتن قرآن، علاوه بر معرفی یک ضامن، باید مبلغی پول به صورت امانی به کتابخانه بسپارند که اگر قرآن به هر علتی به کتابخانه عودت داده نشد، آن ضامن ملزم به جبران خسارت است. در یک وقف‌نامه کتاب که جداگانه آمده، واقف تولیت را پس از خود به کتابدار یا هر کس که کتاب‌ها را ثبت نماید سپرده و شروطی را که همه واقفان بر کتاب قرار می‌دادند «کتب را نفروشد، نبخشند و به رعایت داده ...» بر آن قرار داده و شرط رهن گرفتن از امانت گیرنده را ذکر کرده، و امانت‌گیرندگان آن را کاملاً مشخص کرده «به حضرات طلبه علوم دینیه ساکن آن‌جا به رعایت داده شود»، ضمن این‌که از کتابخانه خواسته شده پس از ثبت کتاب‌ها، آن را مرتب و منظم کنند. در خصوص مهلت امانت هم دستورالعمل یکسانی حتی در یک کتابخانه وجود نداشته و در واقع این مساله منوط به شرایط واقف بوده است، به طوری که برخی یک تا سه ماه و برخی شش ماه مهلت را تعیین کرده‌اند (جعفریان، ۱۳۹۷: ۵۴-۳۶).

### ح. فهرست‌ها

فهرست به تعبیر دهخدا به معنی نوشته‌ای است که در آن اسامی کتاب‌ها باشد (dehkhoda.ut.ac.ir: ذیل لغت «فهرست»). برخی فرهنگ‌های فارسی آن را به معنی صورت ریز محتویات کتاب می‌دانند که در آغاز و یا انجام کتاب نوشته می‌شود (منزوی، ۱۳۷۲: ۴۷۳). منظور از فهرست در این جا همان تعبیر دهخدا، یعنی اسامی کتاب‌ها است که تاریخچه تدوین آن به زمان‌های دور برمی‌گردد و با مفهوم امروزی آن تفاوت دارد. در گذشته معمولاً این فهرست‌ها یا از مجموعه‌های موجود در کلیساها، دیرها، کاخ‌ها و یا کتابخانه‌های خصوصی و درباری تهیه می‌شد و شامل سیاهه‌ای از اطلاعات مهم مربوط به کتاب‌ها بود. و یا به صورت مجموع تالیفات اشخاص یا گروه‌های معین نگاشته می‌شد و یا به مانند فهرست ابن ندیم، فهرستی از کتاب‌های گذشته تا زمان مولف به همراه موضوع آن بود. در مورد فهرست‌هایی که در کتابخانه‌ها یا کلیساها تهیه شده، اطلاعات کمی موجود است و فقط نامی از آنها در متون باقی مانده است. مثلاً در مورد کتابخانه مامون عباسی فقط نامی از آن در متون آمده، اما این که به چه شکل تهیه شده و یا شامل چه کتاب‌هایی بوده، مطلبی به دست نیامده است. به هر حال در بیشتر کتابخانه‌های قدیمی سیاهه یا فهرستی از کتاب‌ها و اموال کتابخانه تهیه می‌شد که می‌توان از آن به عنوان فهرست‌های اولیه نام برد که برای سهولت، آن را به صورت موضوعی یا اطلاعات کتاب‌شناختی تهیه می‌کردند. اما آنچه که امروزه به نام فهرست‌نویسی در کتابخانه‌ها مشهود است، در واقع ثبت مشخصات کتاب‌شناختی است. فهرست‌نویسی به مجموعه مراحل گفته می‌شود که طبق روش خاصی مشخصات منابع اطلاعاتی را جهت تهیه فهرست و استفاده، چه به صورت کتابی، چه در برگه‌دان و چه در فهرست‌های رایانه‌ای، ثبت می‌کند. شکل تهیه فهرست‌های گذشته با امروز فرق دارد، اما مفهوم واقعی هر دو ثبت موجودی کتاب‌ها و بازیافت اطلاعات است. بنابراین یافتن فهرست‌هایی از این دست که امروزه به نام سیاهه از آن یاد می‌شود، می‌تواند درباره تاریخ فهرست‌نویسی به ما کمک کند (فتاحی، ۱۳۸۶: ۱۱). فهرست‌نویسی به معنی قدیم آن در ایران و برخی کشورهای شرقی و اسلامی سابقه‌ای طولانی دارد. اگر چه آثار زیادی از آن دوران باقی نمانده است اما مشخص می‌شود که این فن در میان دانشمندان و بعضی کشورها جایگاه ویژه‌ای داشته است. یکی از فهرست‌های موضوعی قابل توجه، فهرست ابن ندیم بوده که بیانگر کیفیت فهرست‌نگاری و اهمیت آن در کشورهای اسلامی است. فهرست‌نویسی به مفهوم جدید از قرن پانزدهم میلادی و دهم قمری گسترش یافته و همواره رو به تکامل بوده است (ابادری، ۱۳۸۶: ۱۰).

از دوره صفوی فهرست‌های مختلفی از موجودی کتابخانه‌ها شامل انواع کتاب، قرآن، جزوات قرآنی، وقف‌نامه‌ها و نظایر آن برجای مانده که شامل نام کاتب یا نویسنده اصلی نسخه، تاریخ کتابت یا نسخه‌برداری و همچنین نام واقف است. از فهرست‌ها برای بازیابی اطلاعات استفاده می‌شده، زیرا در قبوض امانت و سیاهه کتاب‌های مرمتی تا حدودی همان مشخصات نسخه‌شناسی برای امانت‌دادن کتاب یا قرآن به امانت‌گیرنده تکرار شده است. در منابع واژه‌های مختلفی مانند سیاهه، فهرست، صورت عرض بر

آنها اطلاق شده است که در معنی اخیر مالکیت آن کتابخانه را بر هر کتاب گواهی می‌دهد. پس از غارت مشهد و حرم مطهر به دست ازبکان، به دستور شاه عباس از موجودی کتابخانه آستان قدس فهرستی تهیه شد. این فهرست می‌تواند وضعیت کتابخانه را از ابتدای دوره صفویه تا زمان شاه عباس مشخص کند؛ این که کتاب‌های کتابخانه چه تعداد بوده، موضوع آنها چه بوده و برخی کتبی که احتمالاً به غارت رفته چگونه باز گردانده شده است. مثلاً در حاشیه کتاب عیون‌الخبارالرضا چنین آمده: «۱۷ شهر رمضان سنه ۱۰۱۰ کتاب عنوان الرضا که وقف قدیم آستانه مقدسه بوده و به بلخ برده بودند و در این تاریخ شیخ‌السلام شیخ حسن داود خریداری نمود به کتابخانه سرکار فیض آثار فرستاده به قطع نصف سمرقندی و ...» (محبوب فریمانی، همان: ۱۱۸). در ادامه به دو نوع فهرست‌نویسی به صورت مختصر پرداخته می‌شود:

#### یک. فهرست‌های موضوعی

نمونه‌ای از فهرست‌های موضوعی که در کتابخانه آستان قدس هم وجود دارد؛ در سال ۱۰۸۱ق، فهرست تعدادی کتاب با موضوع تفسیر قرآن تهیه شده است. فرق این فهرست با دیگر فهرست‌ها در این است که در آن فقط نام تفسیر و محتوای آن بدون توجه به اصطلاحات نسخه‌شناسی که در فهرست‌های دیگر مرسوم بود، تدوین شده است.

#### دو. فهرست وقف‌نامه‌ها

از دیگر منابعی که در کتابخانه نگهداری می‌شده اسناد و وقف‌نامه‌های آستان قدس است که از آنها فهرست یا صورتی تهیه می‌شده است. این فهرست به این شکل بوده که مختصری از مشخصات وقف‌نامه شامل تاریخ وقف، مورد وقف و نام واقف، نگاشته می‌شد و سپس قید می‌گردید که تحویل کتابدار شده تا در کتابخانه ضبط نماید. نکته جالب این که کلمه فهرست در این صورت آمده و اشاره شده که مشخصات وقف‌نامه برای تهیه فهرست قید شده است. در برخی از موارد، به جنبه‌های مرتبط با کتابداری تأکید و در واقع مسئولیتی برای حفظ و نگهداری کتاب‌ها تعریف شده است. این مسأله عمدتاً برای مواردی است که کتاب‌ها برای یک مدرسه وقف شده و به‌طور معمول، کتابداری وجود داشته که می‌باید نظارت بر امر کتاب را عهده‌دار باشد. گاهی هم این کار توسط متولی انجام می‌شده است، وظیفه او حفظ و نگهداری کتاب از نابودی، و به‌خصوص رعایت شرایط امانت‌دادن کتاب بوده است. گاهی گفته شده است که متولی مدرسه می‌تواند «کتابداری کتب موقوفه را به هر یک از طلبه و غیره که خواهد، رجوع دهد» (همان، ۱۳۹۰: ۱۳۰).

#### ۴. وظایف کتابداران

کتابدار در این دوره وظیفه مهمی داشت و همان‌طور که در مورد کتابداران درباری عهد صفوی گفته شد آنها در واقع رئیس کتابخانه بودند. به همین دلیل نظارت بر تمامی امور کتابخانه اعم از تحویل کتاب‌های وقفی و نذری، نظارت بر فهرست و سیاهه آنها، تحویل وسایل کتابخانه (صاحب‌جمعی)، حفاظت از

کتاب‌ها و سایر منابع کتاب‌های وقفی، امانت‌دادن آنها، نظارت بر صحافی و مرمت کتابها، حفظ و اجرای شرایط واقفان کتاب‌ها، همه بر عهده کتابدار کتابخانه بود (شلبی، ۱۳۷۰: ۱۳۷).

### الف. تحویل، حفاظت و نگهداری منابع کتابخانه

برای نمونه در کتابخانه آستان قدس، تمامی کتاب‌های نذری و وقفی را کتابدار تحویل می‌گرفت و مشرف از آنها فهرست یا سیاهه کاملی با نظارت کتابدار تهیه می‌کرد. این وظیفه شامل قرآن‌های موجود در حرم هم می‌شد، زیرا این قرآن‌ها در کتابخانه نگهداری می‌گردید. همچنین او بر مرمت و صحافی کتاب‌ها نظارت داشته و در مورد انتخاب و صلاحیت صحاف نظر می‌داده است. غیر از کتب و قرآن‌ها، تحویل اسناد نیز بر عهده وی بود. منظور از این اسناد، وقف‌نامه‌های موجود در اماکن مقدس مانند مساجد و حرم رضوی است که حفظ و نگهداری آنها برای اجرای شرایط واقفان بسیار مهم بود. این وقف‌نامه‌ها را از دوره صفوی در کتابخانه نگهداری می‌کردند و کتابدار آنها را تحویل می‌گرفت (محبوب فریمانی، همان: ۶۶).

### ب. ارائه خدمات به مراجعان

منظور از ارائه خدمات، امانت‌دادن کتاب به مراجعان بود که بر عهده کتابدار بوده و قبض امانت نیز صادر می‌گردید. چگونگی امانت‌دادن و قبوض آن در بخش امانت به تفصیل بررسی خواهد شد.

### ج. واگذاری تولید کتاب‌ها به کتابدار از سوی واقفان و اجرای شرایط آنان

در این دوره بیشتر منابع کتابخانه، وقفی بودند و برخی واقفان در ظهر کتاب‌ها یا به صورت جداگانه شروطی بر آن قرار می‌دادند که اجرای آن شروط از سوی کتابدار لازم و ضروری بود. گاهی واقفان، تولید کتاب را برعهده کتابدار می‌گذاشتند. شاه سلطان‌حسین صفوی در وقف‌نامه یکی از کتب وقفی خود تعیین کتابدار را وظیفه تولید دانسته و از او خواسته کتب وقفی را در موضعی جدا نگهدارند و برای امانت کتاب نیز شرط را اذن کتابدار دانسته که قبض از وی بگیرند (همان: ۱۱۵-۱۱۴).

### د) صاحب‌جمعی در کتابخانه‌ها

یکی از وظایف کتابداران تحویل گرفتن کتاب‌های وقفی و نذری و وسایل ضمیمه آن بوده است. در این نوع اسناد از آنها تحت عنوان صاحب‌جمع یا ابواب‌جمع نام برده می‌شود. صاحب‌جمع را در دوره صفوی مسئول ضبط و تحویل اموال دانسته‌اند که پس از مشرف که به تهیه تفصیلی از اموال می‌پرداخت و به تایید ناظر بیوتات می‌رسید، به مراتب بالاتر یعنی وزیراعظم ارسال می‌شد و پس از تایید وی صاحب‌جمع رسید تهیه می‌کرد. سپس نام تحویل‌گیرنده یا صاحب‌جمع قید می‌شد، بعد از تعداد موجودی‌ها فهرست کتاب‌ها یا مصاحف می‌آمد. در این فهرست ابتدا تاریخ تهیه کتاب، وقف و نام واقف، سپس مشخصات نسخه‌شناسی کاملی از مصاحف و کتاب‌ها قید می‌گردید. البته ضمایم کتاب هم می‌آمد. در انتها صاحب‌جمع که همان کتابدار بود طومار را تحویل گرفته، در دفاتر ابواب‌جمع کتابخانه ثبت می‌کرد و طومار را نگه می‌داشت، این

طومار به نظر متولی هم می‌رسید. ظاهراً سمت صاحب‌جمعی در هر دوره‌ای به یکی از کتابداران داده می‌شد (میرزا سمیعا، ۱۳۷۸: ۲۸).

#### ه (وظایف نایب کتابدار

از جمله سمت‌های دیگری که در منابع این دوره به آن اشاره شده پست نایب کتابدار است که در غیاب صاحب اصلی انجام وظیفه می‌کرده است. طبق سندی از کتابخانه آستان قدس در سال ۱۰۶۷ق، از جانشینی میرشمس‌الدین محمد به جای پدرش میرغیاث‌الدین محمد کتابدار نام برده، معمولاً در دوره شاه سلیمان صفوی (۱۰۷۷-۱۰۹۴ق)، این سمت به وضوح دیده می‌شود. در مورد این سمت دو احتمال هست؛ یکی این که همان منصب نیابت است که فرد در غیاب صاحب اصلی ایفای وظیفه کرده است، دوم این که سمت جداگانه‌ای بوده که به نوعی معاون کتابدار محسوب می‌شده و برخی از وظایف وی را انجام می‌داده است. بر طبق اسناد بررسی شده شاهدهی که برای احتمال اول وجود دارد سندی است که در آن پسر به جانشینی پدر انتخاب شده و کلمه «نیابت» در انتهای متن سند قید شده، اما اشاره‌ای به نایب کتابدار نشده است. شاهد احتمال دوم این است، در سال‌هایی که نایب کتابدار بوده، افرادی بوده‌اند که شغل کتابدار را داشته‌اند. ضمن این که یکی از همین افراد که نایب کتابدار بوده در سال‌های بعد جزو کتابداران قرار می‌گیرد (محبوب فریمانی، همان: ۷۵).

#### ه . ویژگی‌های کتابداران

##### الف. القاب و عناوین

عنوان یا خطاب نامی است که برای احترام و تمایز قائل شدن بین صنوف مختلف و مراتب اجتماعی آنها اطلاق می‌شده است. برای کتابداران نیز اوصاف گوناگونی در عصر صفوی به کار می‌رفت که برای هر کتابدار متفاوت بود. برخی از این خطاب‌ها را خود کتابداران در نامه‌هایشان قید می‌کردند، مانند: کاتب‌الحروف، کاتب‌العبد. برخی دیگر را دیگران به کار می‌بردند، مانند: فضایل و رفعت‌پناه تقوی و عزت آثار حاجی‌الحرمین‌الشریفین. آغاز نام آنها نیز با واژه‌های مرسوم آن دوران همچون میر، میرزا، ملا و مولانا شروع می‌شد (همان، ۱۳۹۰).

##### ب. مواجب و مزایا

پرداخت مواجب به کتابداران به صورت نقدی و جنسی و به سه شکل مواجب، مرسوم و وظیفه بود. مواجب و مرسوم همان بود که در حکم آنها قید می‌گشت و به صورت نقدی و جنسی و سالیانه پرداخت می‌گردید. عمدتاً محل پرداخت آن از درآمدهای وقفی صورت می‌گرفت و البته مکان خاصی به آن اختصاص نداشت (میرزا سمیعا، همان: ۴۳).

##### ج. کتابدار کتب وقفی خاصه

کتابدار کتب وقفی خاصه به برخی کتابداران اطلاق شده و از اواخر دوره شاه عباس اول در اسناد دیده می‌شود. با توجه به افزایش کتب وقفی و شروط واقفان ممکن است این سمت جدیدی در کتابخانه بوده که به امور خاصی از کتب وقفی می‌پرداخته است. همچنین ممکن است تنها یک اصطلاح باشد که به دلیل وقفی بودن کتاب‌های کتابخانه، درباره کتابداران به کار رفته است. این اصطلاح فقط خاص دوره صفوی بوده و در دوره‌های بعدی کاربرد نداشته است. طبق اسناد موجود وظیفه این کتابداران حفاظت از کتاب‌ها و پیگیری برگرداندن کتاب‌های امانتی بوده است. به سبب آن که در کتابخانه آستان قدس بیشتر کتابداران از طبقه سادات بودند، معمولاً مفاهیمی که برای عناوین و خطاب‌های آنها به کار می‌رفت، نشان می‌داد که اینان از طبقه سادات هستند و خطاب‌های آنها با واژه «سیادت‌پناه» شروع می‌شد. خطابی که خود آنها در نامه‌های شان به کار می‌بردند با عبارات «کمترین»، «العبد» و ... بود (اشرف، ۱۳۶۸: ۲۷۰-۲۶۷).

قدیمی‌ترین کتابداری که در آستان قدس از او نامی ذکر شده، امیردوست محمدحسینی استرآبادی است که در دوره شاه طهماسب کتابدار آستانه مقدسه بوده است. وی از دانشمندان روزگار طهماسب صفوی است و کتابی را به نام عمل‌السنه که گویا همان ترجمه خلاصه مصباح‌المتجهد شیخ طوسی است، به رشته تحریر در آورده است. افندی در ریاض‌العلماء درباره دوست محمد می‌نویسد: «وی فاضلی عالم و جلیل‌القدر و خردمند بود و در روزگار شاه طهماسب صفوی ریاست کتابخانه آستان مبارک رضوی را به عهده داشت و در زمان شاهان دیگر صفوی از آن سمت هم برخوردار بود. از آثار او عمل‌السنه است که به پارسی تالیف و به طهماسب صفوی اهدا کرده است و کتاب او از کتاب‌های مشهور دعاست ... نوادگان این سید تا این زمان وجود دارند و بیشتر آنها امور کتابخانه حضرتی را عهده‌دار بوده‌اند و در حال حاضر هم، بازماندگان او بدان سمت مفتخرند». همان‌طور که افندی گفته چند نفر از نوادگان وی در کتابخانه آستان قدس حضور داشته و به امر کتابداری مشغول بودند. میرصفی‌الدین محمد کتابدار فرزند امیردوست محمد کتابدار بوده که احتمالاً بعد از پدرش به این سمت تعیین می‌شود، سال دقیق کتابداری وی مشخص نیست. بعد از فوتش موجب وی به نواده‌اش میرشمس‌الدین محمدحسینی واگذار شده است. میرغیاث‌الدین محمد حسینی فرزند میرصفی‌الدین، نواده دوست محمد حسینی، دیگر کتابدار این خاندان بوده که از سال ۱۰۰۷ق، تا ۱۰۳۲ق، کتابدار و صاحب‌جمع کتابخانه بوده و بعد از فوتش در سال ۱۰۶۷ق، شغل او به فرزندش، میرشمس‌الدین محمد حسینی منتقل شده است. نخستین فهرست موجودی کتابخانه در زمان وی تهیه شده است (محبوب فریمانی، همان: ۷۳).

### نتیجه‌گیری

کتابخانه در جایگاه نهادی فرهنگی از قرون نخستین اسلامی در کشور ایران دارای اهمیت و مورد توجه دانشمندان و اهل علم و بسیاری از صاحبان قدرت بوده است. در عصر صفوی با توجه به تعداد قابل توجه کتابخانه‌ها، افراد مختلفی به عنوان کتابدار در انواع گوناگون کتابخانه‌ها به کار و فعالیت مشغول بوده‌اند. از

بررسی منابع و متون مورد توجه پژوهش حاضر مشخص شد که در طول دوران ۲۴۰ ساله خاندان صفوی، با دو گونه از کار و حرفه کتابداری مواجه بوده‌ایم: گونه نخست که عمدتاً به نیمه اول صفویان تعلق دارد، کتابداران شاغل در کتابخانه‌های سلطنتی و درباری بودند که اکثر قریب به اتفاق ایشان، از هنرمندان شاخص عصر خود به‌شمار می‌آمدند. این گروه عمدتاً چهره‌های نام‌آوری در عرصه دو هنر نگارگری و خوشنویسی بودند، نظیر کمال‌الدین بهزاد و رضا عباسی. نوع دوم از حرفه کتابداری مربوط به نیمه پایانی حکومت صفویان بودند، کتابداران این دسته در کتابخانه‌های وقفی موجود در مدارس و مساجد و بقاع متبرکه مشغول کار بودند. این گروه نیز معمولاً از بین دانشمندان و عالمانی انتخاب می‌شدند که بر علوم دینی و مذهبی زمان خود اشراف داشتند و در موارد متعددی از خاندان سادات بودند. مطابق وقف‌نامه‌ها و برخی اطلاعات مندرج در متون و نسخه‌های خطی، این گروه عهده‌دار وظایف متعددی بوده و بسیاری از خدمات ارائه شده در کتابخانه‌های آن روزگار به‌دست ایشان صورت می‌پذیرفته است.

## منابع و مأخذ

### الف. کتب

۱. ابادری، زهرا، ۱۳۸۶، *فهرست‌نویسی*، تهران: چاپار.
۲. ابن‌ندیم، محمدبن‌اسحاق، ۱۳۶۶، *الفهرست*، ترجمه و تحقیق محمدرضا تجدد ابن شیخ علی‌بن زین‌العابدین حائری مازندرانی؛ به‌انضمام تحقیقات و تعلیقات نوین به‌کوشش مهین جهان‌بگلو (تجدد)، تهران: امیرکبیر.
۳. اسکندر منشی، ۱۳۸۲، *تاریخ عالم‌آرای عباسی*، تصحیح ایرج افشار، تهران: امیرکبیر.
۴. اشرف، احمد، ۱۳۶۸، *لقب و عنوان، در زمینه ایران‌شناسی*، به‌کوشش چنگیز پهلوان، تهران: به‌نگار.
۵. افشار، ایرج، ۱۳۴۲، *کتاب و کتابخانه در ایران، ایران‌شهر*، تهران: کمیسیون ملی یونسکو در ایران.
۶. امیرخانی، غلامرضا، ۱۳۸۱، *دایره‌المعارف کتابداری «درویش علی کوکلتاش»*، تهران: کتابخانه ملی ایران.
۷. تامپسون، جیمز، ۱۳۶۶، *تاریخ اصول کتابداری*، ترجمه محمود حقیقی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۸. جعفریان، رسول، جزینی، رسول، ۱۳۹۷، *وقف‌نامه‌های کتاب صفوی*، قم: نشر مورخ.
۹. رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۵۰، *وقف‌نامه ربيع رشیدی الوقفیه‌الرشیدیه بخط‌الواقف فی بیان شرائط امورالواقف و المصارف*، به‌کوشش مجتبی مینوی، ایرج افشار؛ با همکاری عبدالعلی کارنگ، تهران: انجمن آثار ملی.
۱۰. فتاحی، رحمت‌الله؛ طاهری؛ سید مهدی، ۱۳۸۶، *فهرست‌نویسی؛ اصول و روش‌ها*، تهران: نشر کتابدار.
۱۱. کمپفر، انگلبرت، ۱۳۶۰، *سفرنامه کمپفر به ایران*، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران: خوارزمی.

۱۲. محبوب فریمانی، الهه، ۱۳۹۰، *تاریخ کتابخانه آستان قدس رضوی بر پایه اسناد از صفوی تا قاجار (۱۳۴۴-۹۰۷ ه.ق.)*، مشهد: سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مراکز اسناد آستان قدس رضوی.
۱۳. مسعود سعد سلمان، ۱۳۶۲، *دیوان اشعار مسعود سعد سلمان*، تصحیح رشید یاسمی، تهران: امیرکبیر.
۱۴. مقدسی، محمد بن احمد، ۱۳۸۵، *احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم*، ترجمه علینقی منزوی، تهران: کومش.
۱۵. منجم یزدی، جلال‌الدین محمد، ۱۳۶۶، *تاریخ عباسی (یا روزنامه ملا جلال: شامل وقایع دربار شاه عباس صفوی، به کوشش سیف‌الله وحیدنیا، تهران: وحید.*
۱۶. منزوی، علینقی، ۱۳۷۲، *تاریخ فهرست‌نگاری در ایران؛ یادنامه دکتر غلامحسین صدیقی*، گردآوری پرویز ورجاوند، تهران: علمی و فرهنگی.
۱۷. میرزا سمیع، محمدسمیع، ۱۳۷۸، *تذکره الملوک*، به کوشش سیدمحمد دبیرسیاقی، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: امیرکبیر.
۱۸. نورمحمدی، مهدی، ۱۳۹۴، *عماد ملک خط؛ زندگی و آثار میرعماد سیفی قزوینی*، تهران: علمی.
۱۹. ولش، آنتونی، ۱۳۸۹، *نگارگری و حامیان صفوی؛ بررسی تحولات دوره گذار از مکتب قزوین به مکتب اصفهان*، ترجمه روح‌الله رجبی، تهران: موسسه تالیف، ترجمه و نشر آثار هنری متن.
- ب. مقالات
۲۰. افشار، ایرج، ۱۳۸۱، «*صحافی و مجلدگری*»، نامه بهارستان، سال سوم، ش ۲، دفتر ۶.
۲۱. پناهی، عباس، ۱۳۸۶، «*دیوان سالاری صفوی*»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ش ۱۱۲.
- ج. سایت‌ها

۲۲. <http://dekhoda.ut.ac.ir>

## A survey of librarianship during Safavid period

Mahshid Borjian Boroujeni<sup>1</sup>

Zahra Abazari<sup>2\*</sup>

Gholamreza Amirkhani<sup>3</sup>

Fereshteh Sepehr<sup>4</sup>

Najla Hariri<sup>5</sup>



1. Ph.D. student in Information Science and Encyclopedia, Islamic Azad University, North Tehran Branch  
borjian.mah@gmail.com
2. Associate Professor, Department of Information Science and Knowledge, Islamic Azad University, North Tehran Branch, Tehran (Corresponding Author)  
Abazari391@yahoo.com
3. Assistant Professor of the National Archives and Library of Iran.  
Amirkhani@nlai.ir
4. Assistant Professor, Department of Information Science and Knowledge, Islamic Azad University, North Tehran Branch  
Fereshteh.sepehr@yahoo.com
5. Professor, Department of Information Science and Knowledge, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran [Nadjlahariri@gmail.com](mailto:Nadjlahariri@gmail.com)

### **Abstract**

During the history of Islamic Iran, libraries were often public and belonged to schools and mosques, especially before Moghul invasion. This future was an element of rich Iranian-Islamic culture and civilization. In the Safavid dynasty, in addition to this type of libraries, the royal libraries and holy shrines such as Astan-e Quds Razavi flourished and played an important role in the cultural history of that period. This study intends to survey the librarianship job and the duties of librarians in the Safavid period by using the historical research method based on analysis of texts and documents. In this study, using historical sources as well as documents and manuscripts left from the Safavid era, the types of activities that took place in the libraries, as well as the job position of librarians, have been discussed.

**Keywords:** Safavid, Librarianship, Royal library, Astan Qods Razavi.